

يك ابر قدرت جهانی ابراز وجود کند و با ایالات متحده آمریکا به رقابت بپردازد. با آنکه مشکلات اقتصادی روسیه موجب عقب ماندن این کشور و مانع از تحقق یافتن جاه طلبی های جهانی اش در عرصه رقابت است، موقع ژئوپولیتیک روسیه در دریای خزر به تنهایی قدرت کافی در اختیار این کشور قرار می دهد که مدعی نقشی برتر شود و ژئوپولیتیکیک یکسره روسیه محور برای منطقه ترسیم کند. دیگر کشورهای منطقه، از جمله ایران نیز بر پایه حضور طبیعی خود در حوزه دریای خزر مدعی داشتن سهم عمده در تجارت انرژی و ژئوپولیتیک منطقه اند.

موقع جغرافیایی ممتاز ایران میان دو انبار انرژی در سده بیست و یکم به صورت عامل مهمی در می آید که بر روابط خارجی و منطقه ای این کشور اثر می گذارد. یکی از واقعیت هایی که ایران را بر آن داشت تا موضع صرفاً ایدئولوژیک خود را در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییر دهد و در سیاست خارجی اش برای منافع ملی اولویت چشمگیر قابل شود، استراتژی ایالات متحده برای بیگانه سازی ایران در مناطقی است که از لحاظ طبیعی مهد این کشور شمرده می شود. این کار از طریق درگیر کردن يك کشور ماوراء منطقه ای مانند ترکیه در مسائل انرژی دریای خزر به زبان ایران صورت می گیرد. تلاش های ایران برای رهایی از محاصره اقتصادی و استراتژیک آمریکا به صورت عاملی عمده در آمده است که در سطوح منطقه ای و بین المللی توجه دولت ها را به ارزش ژئوپولیتیک جایگاه ایران بین مهم ترین انبار های انرژی در سده بیست و یکم یعنی خلیج فارس و دریای خزر، معطوف می دارد. این مقاله تصویری کلی در مورد عوامل ژئوپولیتیکیک که بر روابط بین المللی در دریای خزر و سرزمین های پیرامون آن، و از جمله بر رژیم حقوقی دریای خزر اثر گذارند، ارائه می کند. تکامل گونه های «منطقه گرایی» یا «گروه بندی سیاسی» با محوریت منطقه خزر، به همان اندازه ناشی از مقتضیات جغرافیای اقتصادی است که از تغییر جغرافیای سیاسی منطقه پس از فروپاشی

همزمان با تغییر نظام جهانی، و تحول ساختار ژئوپولیتیکیک تک قطبی کنونی به نظام متعادل تر چند قطبی، موقعیت جدید دریای خزر بعنوان يك نظام فرعی ژئوپولیتیکیک بین المللی مهم تثبیت می شود. همچنین، با گسترش جهانی شدن اقتصاد بازار، که با فروپاشی اتحاد شوروی و سر بردن دولتهای مستقل تازه در حوزه دریای خزر مصادف بود، شرکتهای نفت و گاز غربی برای بهره برداری از طلای سیاه نهفته در این دریا سخت به تکاپو افتادند. علی رغم این واقعیت که مشکلات تعیین مرزهای دریایی بین کشورهای ساحلی هنوز پابرجاست، این شرکتها با امضای موافقت نامه های اعطای امتیاز با جمهوری های تازه در حوزه دریای خزر یعنی قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان عملیات اکتشافی را آغاز کرده اند.

در عین حال، ایالات متحده آمریکا در راستای کوشش هایش به منظور تحقق بخشیدن به «نظام تازه جهانی» و استمرار سلطه اش در چارچوب نظام تک قطبی، اهمیت فراوانی برای کنترل کردن مناطق برخوردار از منابع کمیاب - یعنی خلیج فارس و دریای خزر - قایل است. در حالی که ایالات متحده آمریکا توانسته است در خلیج فارس حضور نظامی چشمگیری پیدا کند، در دریای خزر شرکتهای آمریکایی نفت و گاز قرار دادهای متعددی برای بهره برداری و صدور انرژی امضاء کرده اند که این امکان را برای ایالات متحده فراهم می آورد که ادعای موجه داشتن «منافع واقعی» در منطقه را مطرح کند. افزون بر این، ایالات متحده با انتقال پایگاه نظامی اش از اینچر لیک (در ترکیه) به ابوشوران (در جمهوری آذربایجان) و از طریق برگزاری رزمایشهای ادواری مشترک با دولتهای منطقه، در نظر دارد به تدریج منطقه خزر را از لحاظ نظامی زیر کنترل خود در آورد.

از سوی دیگر، روسیه تلاش می کند نه تنها بعنوان قدرت اصلی در منطقه خزر، بلکه در مقام

## رژیم حقوقی دریای خزر تصویری ژئوپولیتیکیک از مانعی در راه همکاری های منطقه ای

نوشته دکتر پیروز مجتهدزاده  
از دانشگاه لندن

ترجمه سید مرتضی میرمطهری

اتحاد شوروی سرچشمه می‌گیرد. در این مقاله، نقش محوری مسئله رژیم حقوقی دریای خزر در شکل دادن به روابط بین‌المللی در منطقه خزر مورد بحث قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

## وضع جغرافیایی

پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، دریای خزر چیزی نبود جز دریایی بسته که میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایران تقسیم می‌شد. پس از تجزیه فدراسیون اتحاد شوروی، سه کشور جدید در سواحل دریای خزر با ایران و روسیه سهیم شدند. این کشورها عبارتند از قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان. وارد شدن سرمایه و تکنولوژی خارجی، عمدتاً از غرب، برای اکتشاف و استخراج نفت و گاز، راه نفوذ سیاسی و اقتصادی قدرتهای فرامنطقه‌ای را به این بخش از جهان گشوده است.

منطقه خزر خطه پهن‌آوری است که از قفقاز در غرب تا آسیای مرکزی در شرق کشیده شده و دریای خزر آن را به بخشهایی تقسیم می‌کند و در عین حال این بخشها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. به عبارت دیگر، با توجه به هدف این بررسی، می‌توان قفقاز، خزر و آسیای مرکزی را همچون یک منطقه جغرافیایی در نظر گرفت و نام منطقه خزر - آسیای مرکزی بر آن نهاد.

همه کشورهای این منطقه را خشکی فرا گرفته است. قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، در کنار روسیه و ایران، مرزی در دریای خزر دارند که از لحاظ گسترش تجارت دریایی میان این کشورها سودمند است. اما این وضع، جز در مورد ایران که در خلیج فارس، خلیج عمان و گوشه شمال غربی اقیانوس هند صاحب مرز است، مشکل این کشورها را از لحاظ عدم دسترسی به بازارهای بین‌المللی از راههای دریایی حل نمی‌کند. یک راه حل عملی در این زمینه، می‌تواند مرتبط کردن این کشورها و نیز سه کشور دیگر در آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان و افغانستان) به خلیج فارس و خلیج

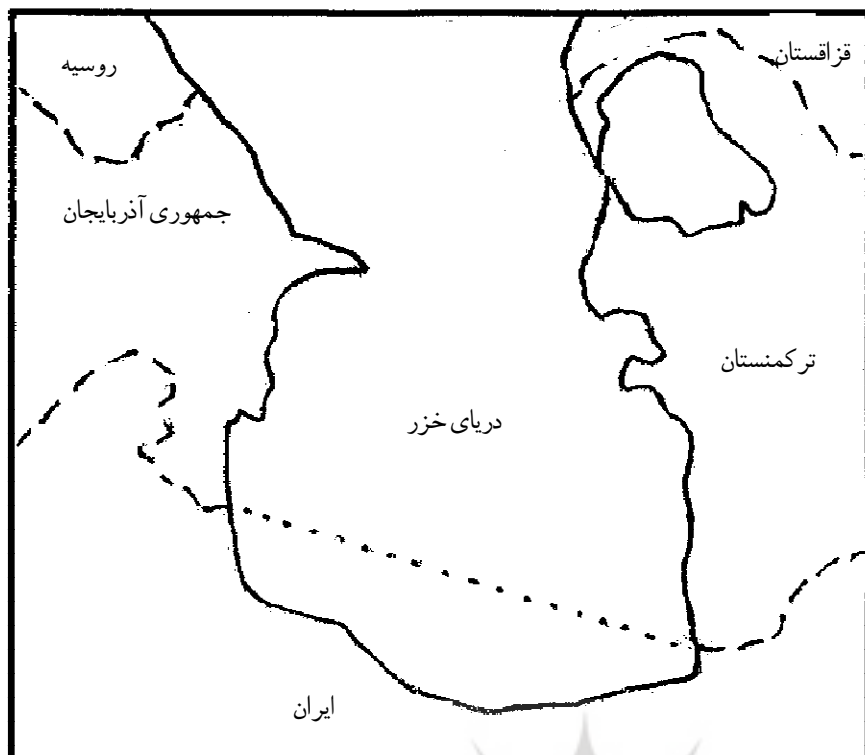
عمان از طریق جاده، راه آهن، و شبکه‌های لوله‌ای خاک ایران باشد. ایران با داشتن دو هزار میل ساحل در جنوب، می‌تواند دسترسی مؤثر و مطمئن این منطقه بدون ساحل را به بازارهای جهانی تأمین کند.

برای صدور نفت و گاز منطقه خزر، احداث یک شبکه لوله که این منطقه را از طریق ایران به دریاهای آزاد در جنوب متصل کند، بی‌تردید عملی‌ترین طریق است. این خطوط لوله کوتاه‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین راه را از منطقه خزر - آسیای مرکزی به بازارهای جهانی، بویژه شبه قاره هند، ژاپن و خاور دور که در آنها تقاضا برای انرژی در آینده قابل پیش‌بینی روندی فزاینده خواهد داشت در اختیار می‌گذارد. گذشته از آن، نیروی انسانی سرشار و ماهر ایران در زمینه تکنولوژی نفتی، زیربنای گسترده و پیشرفته راههای حمل و نقل زمینی و دریایی، و بنادر و پالایشگاههای موجود در ایران، و شبکه لوله‌های نفت و گاز، مزایای فنی و تدارکاتی قابل ملاحظه‌ای در اختیار صادرکنندگان نفت و گاز منطقه خزر قرار می‌دهد که هیچ جایگزین دیگری با آن برابری نمی‌کند. ضمناً ایران تنها کشور منطقه است که از نامنی‌های ناشی از درگیری‌های تجزیه طلبانه که گریبانگیر کشورهای آسیای صغیر، قفقاز و آسیای مرکزی از جمله افغانستان می‌باشد فارغ است.

## اوضاع سیاسی

به هنگام فروپاشی اتحاد فدراتیو جمهوریهای شوروی سوسیالیستی، دریای خزر، جمهوریها و سرزمین‌های پیرامون آن، و تا حدودی ایران، از دغدغه‌های خاص اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. با آنکه حقوق ایران در دریای خزر به موجب قراردادهای موجود میان ایران و اتحاد شوروی سابق به رسمیت شناخته شده بود، اما در واقع ایران یکسره از همه حقوق خود در آن دریا محروم گردیده بود. از لحاظ نظری، در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ رژیم حقوقی براساس مفهوم «بهره‌برداری مشترک» از دریا و منابع آن توسط ایران

○ ایالات متحده آمریکا در راستای کوششهایش به منظور تحقق بخشیدن به «نظام تازه جهانی» و استمرار سلطه‌اش در چارچوب نظام تک قطبی، اهمیت فراوانی برای کنترل کردن مناطق برخورد از منابع کمیاب - یعنی خلیج فارس و دریای خزر - قائل است.



.....خط فرضی آستارا-حسینقلی

----- مرزهای بین‌المللی

○ ایالات متحده با انتقال پایگاه نظامی اش از اینجریک (در ترکیه) به ابوشوران (در جمهوری آذربایجان) و از طریق برگزاری رزمایشهای ادواری مشترک با دولتهای منطقه، در نظر دارد به تدریج منطقه خزر را از لحاظ نظامی زیر سیطره خود درآورد.

آن است که ایران در چارچوب ژئوپولیتیک جهانی فرا آینده بتواند نقش جغرافیایی طبیعی اش را در منطقه‌ای جغرافیایی که بطور طبیعی به آن تعلق دارد ایفا کند.

موضع ایالات متحده درباره نقش ایران در منطقه خزر مبتنی بر این ذهنیت بی چون و چراست که هرگونه دخالت ایران در امور منطقه خزر - آسیای مرکزی موافق میل ایالات متحده آمریکا نخواهد بود.<sup>۲</sup> به منظور یافتن راههای بدیل مناسب برای صدور نفت و گاز خزر، آمریکا در مورد راههایی چند برنامهریزی و سرمایه‌گذاریهای کلان کرده است. این راهها عبارت است از راه باکو - جیحان از خاک ترکیه، راه ترکمنستان - پاکستان از خاک افغانستان، راه روسیه - گرجستان از مسیر چین، و خط لوله زیر دریا بین ترکمنستان و آذربایجان. همه این راهها صرف نظر از طولانی، کوهستانی و غیراقتصادی بودن، با مشکلات ناشی از درگیریهایی تجزیه طلبانه حل نشدنی روبروست<sup>۳</sup> و چشم اندازی در خصوص امنیت واقعی هر یک از

و همسایه ابرقدرتش به رسمیت شناخته بود. اما در عمل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مظان این اتهام قرار داشت که یک خط فاصل فرضی را پیشنهاد کرده است که از این سو تا آن سوی دریا، آخرین نقطه مرز ایران در شمال خاوری را در خلیج حسین قلی (در مصب رود اترک) به انتهای مرز شمال باختری ایران در آستارا متصل می‌کند (نقشه شماره ۱).

حتی در داخل این خط فرضی، ایران مجاز به نگهداری ناوگان دریایی و اکتشاف نفت و گاز نبود. سیاست قاطع شوروی مانع از آن گردید که در تمام دوران جنگ سرد ایران در دریای خزر کمترین نقشی داشته باشد.

با پیدایش جغرافیای سیاسی دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به نظر می‌رسد که دیگر دولتهای این منطقه ایران را بعنوان شریکی برابر و سهمیم در سواحل دریای خزر پذیرفته‌اند. اما اکنون سیاستی به همان قاطعیت منتها این بار از سوی ایالات متحده مانع از

این خطوط لوله وجود ندارد.

البته در مورد آنچه ایالات متحده آمریکا می‌تواند برای خنثی‌سازی موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران که بین خلیج فارس و دریای خزر قرار گرفته است انجام دهد، محدودیتی وجود دارد. ژئوپولیتیک تحمیلی آمریکا برای ایجاد مانع در مقابل نقش جغرافیایی حیاتی ایران بعنوان پلی زمینی میان دریای خزر و خلیج فارس، دیگر نمی‌تواند جلوی تقاضای فزاینده هند، چین و خاور دور برای نفت و گاز مقرون به صرفه از منابع مطمئن را بگیرد. هندی‌ها نسبت به تکمیل پروژه خط آهن هفتصد کیلومتری میان بر (باقی - مشهد) که خلیج فارس را به منطقه خزر - آسیای مرکزی وصل می‌کند ابراز علاقه نموده‌اند.<sup>۴</sup> در ماه اوت ۱۹۹۵، ایران و هند موافقت کردند شبکه‌ای تأسیس کنند که میدانهای گاز ایران و آسیای مرکزی را از طریق دو هزار کیلومتر خط لوله به شبه قاره هند مرتبط کند.<sup>۵</sup> این پروژه تا حدود زیادی به علت بی‌علاقگی پاکستان به تأخیر افتاده است، بیشتر از آن رو که پاکستان امیدوار است پروژه خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان به اجرا درآید. اما از آنجا که غیر عملی بودن خط لوله پیشنهادی افغانستان مسلم شده است، پاکستان اکنون سخت می‌کوشد در شبکه‌ای که ایران و منطقه خزر - آسیای مرکزی را به نقاط جنوبی آسیای جنوب باختری و ماورای آن متصل می‌کند جایی برای خود دست و پا کند.

از طرف دیگر، در سالهای اخیر چینی‌ها برای دخیل شدن در ژئوپولیتیک منطقه خزر - آسیای مرکزی علاقه فراوان نشان داده‌اند. چین موافقت‌نامه‌های متعددی برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با ایران و روسیه امضاء کرده است، در سال ۱۹۹۷ قرارداد در خصوص خط لوله گاز با ترکمنستان منعقد نموده و به ایران معامله‌ای در زمینه صنعت نفت پیشنهاد کرده است که در چارچوب آن نقش ایران در تجارت نفت و گاز منطقه خزر - آسیای مرکزی گسترش خواهد یافت.<sup>۶</sup>

## وضع ژئوپولیتیک

این تحولات جدید، همراه با آشکار شدن این نکته که همه راه‌های صدور نفت و گاز خزر جز طریق ایران غیر عملی است، ظاهراً موجب نرم‌تر شدن موضع ایالات متحده گردیده و واشینگتن را ترغیب کرده است که اجتناب ناپذیر بودن آینده منحصر به فرد ایران را بعنوان تهاراه مناسب دستیابی به نفت و گاز منطقه خزر ببیند.

از دیدگاه آمریکا، دریای خزر یکی از دو منطقه بسیار مهمی است که می‌تواند پاسخگوی تقاضای روزافزون جهان برای انرژی باشد و به این لحاظ باید تحت کنترل مؤثر ایالات متحده قرار گیرد. در مورد ذخایر نفت خزر برآوردهای گوناگونی از حداکثر ۲۰۰ میلیارد بشکه تا حداقل ۳۰-۴۰ میلیارد بشکه وجود دارد. ۹۰ میلیارد بشکه رقمی است که بسیاری از شرکتهای منطقه به کار می‌برند<sup>۷</sup>، رقمی که تقریباً معادل ذخایر ثابت شده نفت در ایران است. با در نظر گرفتن اینکه دو کشور در حوزه خزر یعنی روسیه و ایران ۷۰ درصد ذخایر گاز طبیعی را دارا هستند، می‌توان اهمیت این منطقه را در دنیای انرژی دریافت. برخی از ناظران آمریکایی در امور ژئوپولیتیک ترکیبی از دو مخزن انرژی در دریای خزر و خلیج فارس را «بیضی استراتژیک انرژی» نامیده‌اند که ایران در میان این دو مخزن قرار گرفته است.<sup>۸</sup> (نقشه شماره ۲) چنین می‌نماید که تشخیص و پذیرش موقع جغرافیایی ممتاز ایران از سوی رهبری ایالات متحده آمریکا و کنار آمدن با آن، جنبه واقعیت به خود گرفته، هر چند این امر تقریباً یک دهه به طول انجامیده است.

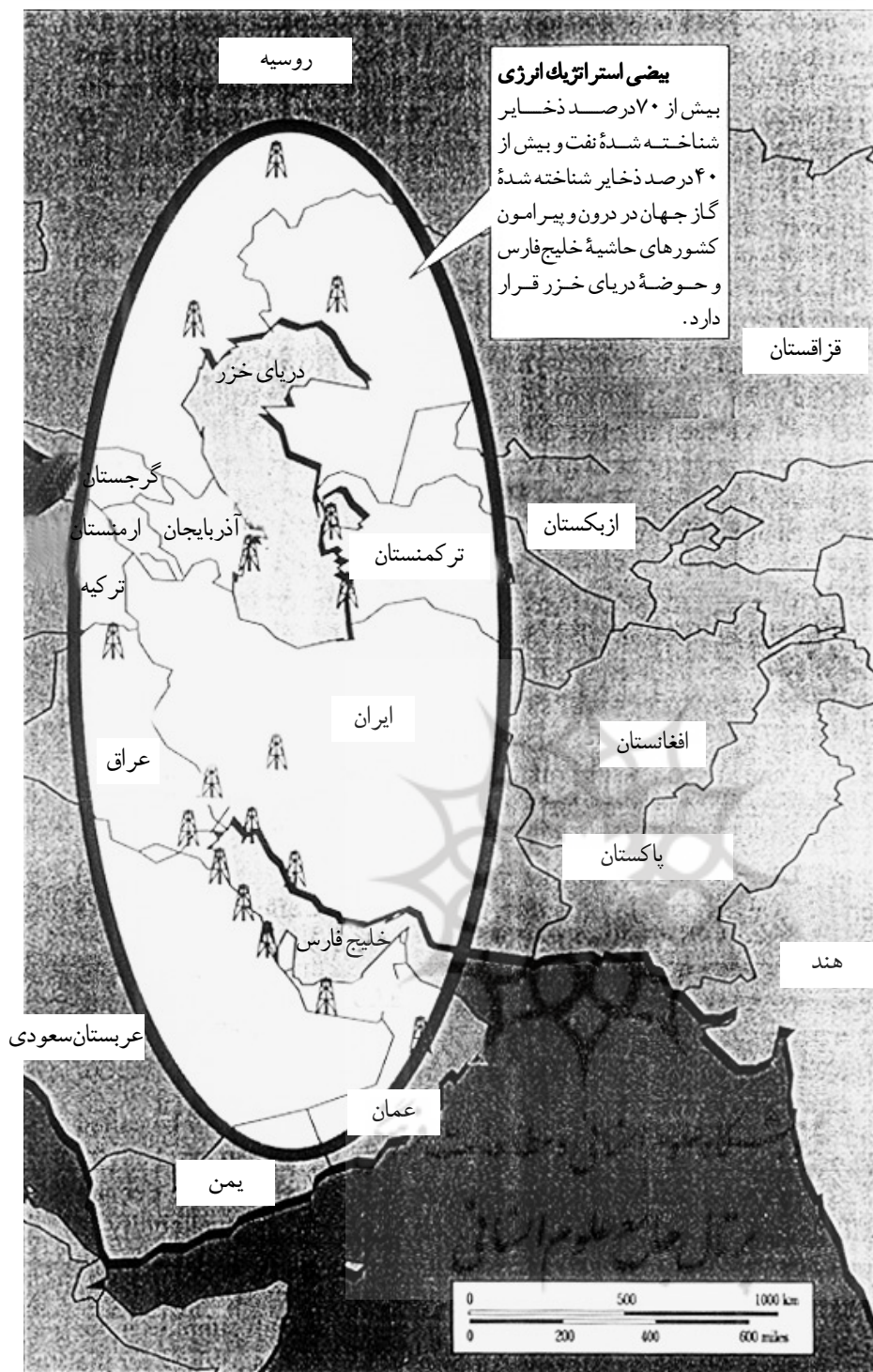
یک عامل مهم در به تأخیر افتادن درک اهمیت موقع جغرافیایی بی‌همتای ایران در دریای خزر از سوی ایالات متحده، تلاشهای ترکیه برای دخالت دادن خود در امور منطقه خزر با کنار گذاشتن ایران بوده است.

بخصوص، کوشش ترکیه در بهره‌برداری از روابط ویژه‌اش با آمریکا، به یاری اسرائیل، برای راه انداختن یک اتحاد ضد ایرانی «پان ترکیست» با

### ○ موقع جغرافیایی

ممتاز ایران میان دو انبار بزرگ انرژی در سده بیست و یکم (خلیج فارس و منطقه خزر) به صورت عامل مهمی درمی‌آید که بر روابط خارجی و منطقه‌ای ایران اثر می‌گذارد.





○ با آن که حقوق ایران در دریای خزر به موجب قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد شوروی سابق به رسمیت شناخته شده بود، در واقع ایران یکسره از همه حقوق خود در این دریا محروم گردیده بود.

سرزمین ایران میان دریای خزر و خلیج فارس، یعنی دو منطقه تأمین کننده انرژی در سده بیست و یکم قرار گرفته است. «بیضی استراتژیک انرژی» ترسیم شده بوسیله جفری کمپ

خود در دریای خزر دارد، در سال ۱۹۹۵ با روسیه و جمهوری آذربایجان چند شرکت برای اکتشاف نفت تشکیل داد.<sup>۹</sup> روابط مبتنی بر همکاری میان ایران و جمهوری آذربایجان در دریای خزر نتیجه

شرکت جمهوریهای آسیای مرکزی و نیز جمهوری آذربایجان، نزدیک به یک دهه است که بر استراتژیهای ایالات متحده در منطقه خزر سایه افکنده است.

ایران گذشته از عملیات اکتشافی محدودی که

منطقی قرابت‌های تاریخی و فرهنگی دو کشور و مجاورت جغرافیایی آنهاست. از جمله عوامل دیگری که بر همکاری دو کشور اثر می‌گذارد عبارت است از چند دهه اشتراك منافع مربوط به پروژه‌های مختلف آبی در رود ارس در مرز دو کشور. در نزدیکی دو کشور حوزه‌های نفتی خزر در محدوده مرزی بین ایران و آذربایجان قرار گرفته است. تمایل هر يك از این دو کشور که طرف دیگر را از حفاری‌های مستقیم یا بهره‌گیری از توانمندی‌های فنی‌اش باز دارد، می‌تواند زمینه‌ای ژئواکونومیک فراهم کند که فعالیت‌های مشترك ایران و آذربایجان در اکتشاف و استخراج نفت در چارچوب آن صورت گیرد.<sup>۱۰</sup>

از دید ژئوپولیتیک، ایران و جمهوری آذربایجان چاره‌ای جز همکاری ندارند. از قرابت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی، جغرافیا و منابع مشترك و نیز محدوده فعالیت‌های مشترك اقتصادی آنها که بگذریم، امنیت سرزمینی دو کشور به تنهایی ایجاب می‌کند که به یکدیگر نزدیک‌تر باشند.

در مقیاس وسیع‌تر منطقه‌ای، کشورهای منطقه خزر - آسیای مرکزی اعضای دو سازمان منطقه‌ای اند: «کشورهای مستقل مشترك المنافع» (GIS) و «سازمان همکاری اقتصادی» (ECO). اعضای سازمان اخیر الذکر عبارتند از جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، افغانستان و همچنین اعضای قدیمی «سازمان همکاری منطقه‌ای برای توسعه» (آر - سی - د) یعنی ایران، ترکیه و پاکستان. «آر - سی - د» در دهه ۱۹۶۰ ابتدا با حمایت ایالات متحده آمریکا تأسیس گردید و در سال ۱۹۹۲ تعداد اعضای آن افزایش یافت و دولتهای منطقه خزر - آسیای مرکزی را که بیشتر از اعضای اتحاد شوروی بودند در بر گرفت. با این امید که این سازمان به يك گروه منطقه‌ای واقعی از نوعی که فرایند جهانی شدن در سده بیست و یکم ایجاب می‌کند تبدیل شود، ایران کوشیده است که سازوکارها و کارایی آن را افزایش دهد.<sup>۱۱</sup> با آنکه این سازمان تاکنون اجلاس سالانه سران کشورهای عضو را با موفقیت برگزار کرده است تا این تاریخ

نتوانسته است به این امید واقعیت بخشد. سربر آوردن «اکو» در قالب يك گروه منطقه‌ای فعال بستگی به ایجاد انسجام جغرافیایی - اقتصادی در میان دولتهای عضو دارد. اختلافات و رقابت‌های داخلی که در سایه اعمال نفوذ و اغوای خارجی صورت می‌گیرد تحقق چنین انسجامی در میان کشورهای عضو را دشوار ساخته است. برای مثال، تمایل ترکیه به عضویت در اتحادیه اروپا و عزم این کشور برای دامن زدن به «پان ترکیسم» در منطقه خزر - آسیای مرکزی به ترغیب ایالات متحده، احتمال عضویت واقعی و فعال ترکیه در «اکو» بعنوان يك گروه منطقه‌ای واقعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، توجه ژئوپولیتیک پاکستان که معطوف به رقابت سرزمینی و استراتژیک با هند و ژئوپولیتیک افغانستان است، مانع از همکاری همه‌جانبه منطقه‌ای این کشور با شوروی چون ایران در چارچوب «اکو» شده است.

مشکل دیگری که مانع از تحقق یافتن يك گروه‌بندی منطقه‌ای در چارچوب «اکو» شده، عضویت بسیاری از کشورهای منطقه خزر - آسیای مرکزی در سازمان «کشورهای مستقل مشترك المنافع» روسیه است. با آنکه این سازمان در سال ۱۹۹۱ در پی تجزیه اتحاد شوروی سابق تأسیس شده، بیشتر به علت نقش برتر روسیه در آن، نتوانسته است بعنوان يك گروه منطقه‌ای تمام عیار عمل کند. آشکار است که اعمال نفوذ مسکو، اعضای سازمان «کشورهای مستقل مشترك المنافع» را از مشارکت کامل در يك سازمان منطقه‌ای رقیب مانند «اکو» باز می‌دارد.

این تصویر کلی از ژئوپولیتیک منطقه ممکن است در توضیح مشکلات جغرافیایی، سیاسی و ژئوپولیتیکی که ارائه يك تعریف قابل قبول از رژیم حقوقی دریای خزر را دشوار می‌سازد مؤثر آفتند. برای از میان برداشتن این مشکلات، ایران در سال ۱۹۹۲ به فکر تأسیس شورای کشورهای حوزه دریای خزر (C C S C) افتاد که پنج دولت ساحلی دریای خزر را در بر می‌گرفت. در ایده تأسیس این شورا، نقش خاصی که شورا باید در منطقه ایفا کند به درستی تعریف نشده و این امر بیشتر به این سبب

### ○ ایالات متحده برای

صادر نفت و گاز خزر، در مورد راههایی چند (جز راه ایران) برنامه‌ریزی کرده و دست به سرمایه‌گذاریهای کلان زده است. این راهها عبارت است از راه باکو - جیحان از خاک ترکیه، راه ترکمنستان - پاکستان از خاک افغانستان، راه روسیه - گرجستان از مسیر چین، و خط لوله زیر دریا بین ترکمنستان و آذربایجان.

موافقت‌نامه‌های واگذاری امتیاز با جمهوریهای منطقه خزر یعنی قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، با آنکه مشکلات مربوط به تعیین مرزهای دریایی هنوز حل نشده بود، فعلاً نه عملیات اکتشاف و استخراج را آغاز کردند.

مشکل اصلی مربوط به وضع حقوقی منطقه، از تعریف جغرافیایی دریای خزر ریشه می‌گیرد. از طرفی، دریای خزر یک دریای داخلی یا یک دریاچه است و به این لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل ناظر به رژیم‌های حقوقی دریایی درباره آن مصداق نمی‌یابد. از سوی دیگر، بزرگترین دریاچه جهان، و برای مثال از خلیج فارس بسیار بزرگتر است، دارای منابع عظیمی می‌باشد و پنج اطراف آن را احاطه کرده‌اند و از این حیث نمی‌توان آنرا صرفاً یک دریاچه و آب داخلی فاقد اهمیت تلقی کرد. در اکتبر ۱۹۹۳ یک کنفرانس بین‌الدولی متشکل از چهار دولت جانشین اتحاد شوروی یعنی: روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان برگزار شد که هدف از آن اتخاذ موضعی مشترک و واحد از سوی اعضای «کشورهای مستقل مشترک المنافع» ضمن هماهنگی با ایران بود. ۱۲ با آنکه در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ در کنفرانس آلماتا پیشنهاد روسیه مبنی بر پذیرش اعتبار و نافذ بودن قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ فیما بین ایران و اتحاد شوروی سابق مورد تصویب قرار گرفت، در عمل اختلاف نظرهای شدیدی بین شرکت‌کنندگان وجود داشت. در زیر به اجمال به نظرات پنج کشور ساحلی دریای خزر درباره رژیم حقوقی این دریا اشاره می‌شود.

### الف - استدلال روسیه

روسیه دریای خزر را یک دریاچه یا «دریای داخلی خاص» تلقی می‌کند که پیوندی طبیعی با هیچ دریای دیگر ندارد. بدین سان، مقوله‌نامه‌های بین‌المللی دریایی، ناظر به رژیم حقوقی دریای خزر نخواهد بود و بنابراین دریای خزر باید بعنوان میراث مشترک همه ملت‌های پیرامون آن اعلام شود و منابع آن بطور مساوی و مشترکاً توسط دولت‌های ساحلی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این نظر

است که نفس شورای مذکور با مداخله فرامنطقه‌ای در منطقه همخوانی ندارد. به هر حال با توجه به اینکه هدف و ساختار عضویت آن با محوریت کشورهای منطقه خزر شکل گرفته است، به نظر می‌رسد که شورای کشورهای حوزه دریای خزر ترتیب عملی تری برای حل و فصل مسائل مشترک منطقه‌ای در مقایسه با «اگو» باشد. با این وصف ایران نتوانسته است ابزارهایی برای پرداختن به موضوعات مورد علاقه همه کشورهای منطقه مانند رژیم حقوقی دریای خزر و مسایل زیست‌محیطی آن ارائه کند.

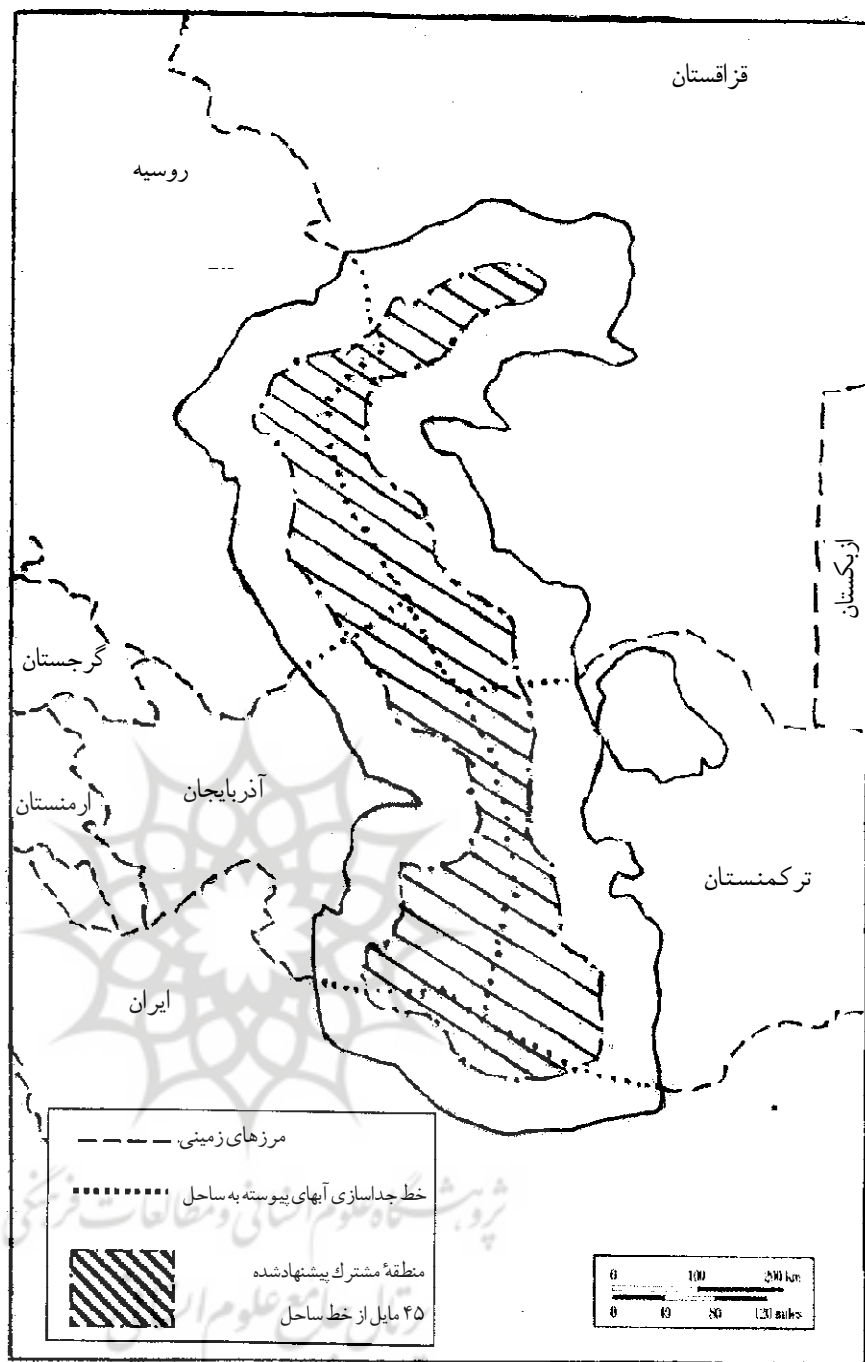
در حال حاضر مسائل امنیتی و زیست‌محیطی آشکارا بر ملاحظات اقتصادی و ژئوپولیتیکی برتری دارد. برخی از موضوعات مهم منطقه‌ای از قبیل همکاری اقتصادی، شامل ایجاد یک گروه تجاری یا بازار مشترک، ظاهراً به برقراری پیوندهای سیاسی نزدیک‌تر و همکاریهای اقتصادی بیشتر بین دولت‌های عضو «اگو» بستگی دارد، و این فرایندی است که به نظر می‌رسد کند باشد. به هر حال موضوعاتی چون اکتشاف انرژی و فرسایش زیست‌محیطی ناشی از آن، بی‌چون و چرا چارچوب منجز و منسجمی برای همکاریهای منطقه‌ای با محوریت دریای خزر ارائه می‌کند.

### رژیم حقوقی - نگرش‌های گوناگون

از آغاز پیدایش یک نظام فرعی بین‌المللی با محوریت منطقه خزر، بسیاری از صاحبان امتیازهای نفتی غربی به منطقه هجوم آوردند و این امر موجب گردید که دولت‌های ساحلی متقابلاً در مورد مناطق تحت حاکمیت خود در دریای خزر ادعاهای بیشتری مطرح نمایند. یکی از مشکلاتی که بروز کرد این بود که برخی از امتیازات در محدوده مناطق مورد اختلاف قرار داشت. به هر حال مشکل بزرگتری که از این تغییر ژئوپولیتیکی ناشی شده، گوناگونی نگرش دولت‌های ساحلی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر است. این شرکتها با تعجیل در امضای

○ کوشش ترکیه در بهره‌گیری از روابط ویژه‌اش با ایالات متحده، به یاری اسرائیل، برای راه انداختن یک اتحاد ضد ایرانی «پان‌ترکیست» با شرکت جمهوریهای آسیای مرکزی و نیز جمهوری آذربایجان، نزدیک به یک دهه است که استراتژیهای ایالات متحده در منطقه خزر سایه افکننده است.

○ از دید ژئوپولیتیک، ایران و جمهوری آذربایجان چاره‌ای جز همکاری ندارند. از قرابت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی، جغرافیا و منابع مشترک و نیز محدوده فعالیت‌های اقتصادی مشترک آنها که بگذریم، امنیت سرزمینی دو کشور به تنهایی ایجاب می‌کند که به یکدیگر نزدیک‌تر باشند.



مبنتی بر این استدلال است که رژیم حقوقی جدید دریای خزر باید دارای همان ماهیتی باشد که در قرارداد دوستی مسکو مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و پروتکل دریانوردی مورخ ۱۹۴۰ بین ایران و روسیه مندرج است. قرارداد ۱۹۲۱ که در سال ۱۹۳۵ مورد تأیید مجدد قرار گرفت، اعلام می‌دارد که دریای خزر متعلق به روسیه و ایران است.<sup>۱۳</sup> پروتکل دریانوردی مورخ ۲۵ ماه مارس ۱۹۴۰ که جایگزین قرارداد دوستی ۱۹۲۱ می‌باشد دریای خزر را بعنوان دارای مشترک ایران و شوروی می‌شناسد. از آنجا که این ترتیب هیچگاه به مورد اجرا گذارده نشده، گفته می‌شود که ایران و اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۰ موافقت کرده‌اند که بر پایه خطوطی مورد توافق مبادرت به تعیین حدود آب‌های ساحلی در دریای خزر بنمایند.<sup>۱۴</sup> این ترتیب بدون شك اشاره به پیشنهاد



که ماده ۱۲۲ مقاوله نامه سال ۱۹۸۲ تحت هر عنوان در مورد دریای خزر کاربرد یابد مخالفت می‌ورزد. دولت روسیه در یادداشتی خطاب به سازمان ملل متحد، در تاریخ پنجم اکتبر ۱۹۹۴ استدلال کرده است که دریای خزر را نمی‌توان حتی يك «دریای بسته» یا «دریای نیمه بسته» تلقی کرد.<sup>۱۸</sup>

جمهوری آذربایجان همچنین استدلال می‌کند که از لحاظ قلمرو سرزمینی، اتحاد شوروی خطوطی بین جمهوریهای عضو اتحادیه کشیده بوده که به موجب قوانین شوروی سابق تابع مقررات حقوق بین الملل شمرده می‌شده است. این خطوط که در مورد صنایع ذیربط برقرار شده بوده باید در مورد ادعاهای مربوط به آبهای پیوسته به ساحل در دریای خزر نیز مصداق داشته باشد.<sup>۱۹</sup> در تأیید این استدلال، جمهوری آذربایجان به تعیین حدود در آبهای داخلی در موارد مشابه اشاره می‌کند. این موارد دریاچه سوپریور، هورون، اریه و اونتاریو بین کانادا و ایالات متحده؛ دریاچه چاد بین نیجریه، نیجر و کامرون؛ دریاچه ژنو بین فرانسه و سویس؛ و دریاچه کنستانس بین اتریش، سویس و آلمان را دربر می‌گیرد.<sup>۲۰</sup>

منابع ذینفع غربی از موضع جمهوری آذربایجان حمایت می‌کنند و دلیل می‌آورند که تعیین حدود در آبهای پیوسته به ساحل منطقی‌ترین، منصفانه‌ترین و عملی‌ترین راه حل و فصل اختلافات ناشی از حقوق ملی متعارض در مورد منابع دریای خزر است.<sup>۲۱</sup> اما دولت شوروی که با این موضع مخالف و از گسترش عملیات اکتشاف نفت توسط جمهوری آذربایجان با همکاری غرب ناخشنود است، در سال ۱۹۹۵ هشدار قبلی خود مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۴ مبنی بر استفاده مشترک از منابع دریای خزر را تکرار کرد.<sup>۲۲</sup> روسیه ضمن هشدار تازه خود اعلام کرد که بهره‌برداری از منابع دریای خزر نباید قبل از تعیین يك رژیم حقوقی مشترك برای دریای مزبور آغاز شود.<sup>۲۳</sup> روسیه در این باره تا آنجا پیش رفت که پیشنهاد نمود فعالیت‌ها در این زمینه غیر قانونی

شوروی درباره خطی دارد که، چنان که قبلاً ذکر شد، سهم ایران و شوروی را در دریای خزر از یکدیگر جدا می‌کند. برای تثبیت این وضع، روسیه استدلال کرده است که هیچ خط مرزی در دریای خزر وجود ندارد که جمهوریهای شوروی را از یکدیگر جدا کند.

این استدلال روسیه ابتدا مورد استقبال ایران قرار گرفت اما از آنجا که به نظر می‌رسید زبان چشمگیری متوجه شرکت‌های غربی شود که بویژه در مناطق نزدیک سواحل جمهوری آذربایجان دست به سرمایه‌گذاریهای کلان زده‌اند، مخالفت با آن شدت گرفت. برای خروج از این بن‌بست، در نوامبر سال ۱۹۹۶ روسیه راه حل میانه‌ای پیشنهاد کرد که به موجب آن هر کشور منطقه در مورد حوزه‌های نفتی واقع در محدوده ۴۵ میلی از خط ساحلی خود صلاحیت انحصاری خواهد داشت.<sup>۱۵</sup>

### ب- استدلال آذربایجان

جمهوری آذربایجان در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ اعلامیه آلماتارا که توسط کشورهای ساحلی دریای خزر و عضو گروه کشورهای مستقل مشترك المنافع دریای خزر صادر شده بود، امضاء کرد و به موجب آن موافقت نمود که تعهدات بین‌المللی ناشی از قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی منعقد شده توسط اتحاد شوروی سابق را محترم بدارد.<sup>۱۶</sup> لیکن استدلال باکو این است که دریای خزر را باید يك دریای آزاد تلقی کرد و به این اعتبار مفاد ماده ۱۲۲ مقاوله نامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها مورخ ۱۹۸۲ ناظر به وضع دریای خزر خواهد بود. این ماده دریای نیمه بسته را بعنوان «خلیج، حوضه یا دریایی تعریف می‌کند که بوسیله دو یا چند دولت احاطه شده و از طریق يك باریکه به دریا یا اقیانوس دیگری متصل می‌شود یا بطور کامل و اساساً جزئی از آبهای سرزمینی یا مناطق اقتصادی انحصاری دو یا چند دولت ساحلی است.» بر پایه این تعریف، باکو با تعیین ۱۰ تا ۴۰ میل منطقه اقتصادی انحصاری برای هر يك از دولتهای ساحلی موافق است.<sup>۱۷</sup> روسیه با این نظر

○ تأکید جمهوری آذربایجان بر اعتبار خط فرضی آستارا - حسینقلی، این شك را در ته‌سکان بر می‌انگیزد که ممکن است هدف از آن، کارشکنی در زمینه دستیابی ایران به سهم کامل خود در مالکیت دریای خزر باشد.

## پ - استدلال قزاقستان

با در نظر گرفتن روسیه و جمهوری آذربایجان بعنوان دو طرف اصلی اختلاف مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، جمهوری قزاقستان مانند ایران و ترکمنستان در این اختلاف موضع تقریباً بیطرفی اتخاذ کرده است. استراتژی قزاقستان در این باره همزمان از دو هدف ریشه می‌گیرد: اعمال اختیار در مورد پروژه‌های خود در دریای خزر و اجتناب از درگیر شدن با روسیه. به هر حال آلماتا گاهگاه نسبت به تقسیم دریای خزر تمایل نشان می‌دهد. قزاقستان در رسمی‌ترین اعلامیه‌های خود از چند نکته اصلی که در استدلال جمهوری آذربایجان مطرح شده پشتیبانی کرده است: اینکه همه کشورهای ساحلی باید در مورد منابع دریای خزر که در محدوده آبهای سرزمینی و فلات قاره آنها واقع شده است حق اعمال کنترل انحصاری داشته باشند.<sup>۲۵</sup> وزیر خارجه قزاقستان، وی. گیزاتوف در سال ۱۹۹۵ تا آنجا پیش رفت که مدعی گردید قرارداد‌های مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ فیما بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق آبهای دریای خزر را بوسیله خط آستارا - حسینقلی بین دو کشور تقسیم کرده است.<sup>۲۶</sup> این ادعا نه تنها با توجه به قراردادهای فوق‌الذکر بی‌بایه است، بلکه پیش از این هیچ منبع رسمی اتحاد جماهیر شوروی چنین ادعایی را مطرح نکرده بوده است. با وجود این، قزاقستان در مورد پیشنهاد روسیه مبنی بر تحدید حدود برخی از مناطق ابراز علاقه کرده و از موضع روسیه دایر بر اینکه مسئله رژیم حقوقی دریای خزر باید از طریق عقد قرارداد بین ۵ دولت ساحلی حل و فصل شود پشتیبانی نموده است. اما در مورد مسئله مهم توسعه منابع انرژی دریای خزر، در مقابل ایران و روسیه این موضع را اتخاذ کرده است که حل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر نباید مانع توسعه سریع منطقه، از جمله اجرای پروژه‌های نفتی در آبهای پیوسته به ساحل شود.<sup>۲۷</sup>

ترکمستان تمایلی به درگیر شدن در مناقشات مربوط به دریای خزر نشان نداده است و ترجیح می‌دهد در این باره سیاستی محتاطانه داشته باشد. عشق آباد، بطور کلی، در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به موضع ایران گرایش دارد. هر چند قانون ترکمنستان در سال ۱۹۹۲، ۱۲ میل را بعنوان دریای سرزمینی اعلام کرده که گویای پشتیبانی از تقسیم آبهای پیوسته به ساحل بر اساس پیشنهاد روسیه است نه به ترتیبی که جمهوری آذربایجان پیشنهاد می‌کند، معذک جمهوری ترکمنستان نیز مانند جمهوری آذربایجان و قزاقستان، موافقت‌نامه‌هایی در خصوص استخراج و صدور نفت با شرکتهای غربی امضاء کرده است که قطعاً نافی اصل مشترک بودن رژیم حقوقی دریای خزر است. در عین حال ترکمنستان به اعتبار حقوقی فعالیت‌های اکتشافی جمهوری آذربایجان اعتراض دارد و ادعا می‌کند که برخی از این فعالیت‌ها ناقض حقوق ترکمنستان است. به هر حال، بی‌پاسخ ماندن هشدارهای ترکمنستان و عدم پیشرفت در حل اختلافاتش با جمهوری آذربایجان در مورد حوزه‌های نفتی کی‌باپاز (سردار) در مناطق دریایی، موجب دلسردی ترکمنستان شده است. به علت همین دلسردی بود که ترکمنستان در اکتبر ۲۰۰۰ از سازمان ملل متحد خواست برای فیصله دادن به مسئله رژیم حقوقی دریای خزر مداخله کند.<sup>۲۸</sup>

## ث - استدلال ایران

ایران که به مدت چندین دهه منافعش در دریای خزر بوسیله اتحاد جماهیر شوروی سابق پایمال شده بود، تجزیه اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ را فرصت مغتنمی تلقی نمود تا نسبت به منابع متعلق به خود ادعای حق کند و منافع ملی اش را در دریای خزر گسترش دهد. ایران در مباحثات شرکت نموده و موضعی اتخاذ کرده است که گاه با موضع فدراسیون روسیه مشابهت نزدیکی دارد. استدلال اولیه روسیه مبنی بر اینکه دریای خزر «منطقه‌ای برای استفاده مشترک همه دولتهای ساحلی» باشد با

○ ایالات متحده چنان سخت از مواضع جمهوری آذربایجان پشتیبانی می‌کند که این فکر در منطقه ایجاد شده که مواضع آذربایجان در واقع چیزی نیست جز پوششی منطقه‌ای برای نظرات ایالات متحده.

گذارده است. بیانیۀ مشترکی که روز یکشنبه ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۸ توسط معاونان وزرای خارجه ایران و روسیه صادر شد اعلام می‌دارد، تا آنجا که به آنها مربوط می‌شود، رژیم حقوقی «استفاده مشترک» تا زمانی که یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر ایجاد شود نافذ خواهد بود.<sup>۳۰</sup> یکی از ملاحظات اصلی ایران در ترجیح دادن رژیم حقوقی «استفاده مشترک» از دریای خزر این است که این ترتیب موجب خواهد شد این کشور و چهار کشور دیگر منطقه به صورت همسایگانی باقی بمانند که با یکدیگر مجاورت جغرافیایی مستقیم دارند.

از سوی دیگر، ایران می‌کوشد شرکت‌های دولتی در ایران را در پروژه‌های اکتشاف و صدور نفت و گاز با جمهوریهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان مشارکت دهد. این امر از سوی برخی ناظران بعنوان تمایل تهران به بهره‌برداری از منابع دریای خزر بدون نیاز به یک قرارداد جامع که در آن مسئله حدود مرزها در آبهای پیوسته به ساحل حل و فصل شده باشد، تلقی گردیده است.<sup>۳۱</sup> بعلاوه مقامات وزارت امور خارجه ایران اخیراً بطور غیررسمی ایده تقسیم دریای خزر به پنج سهم مساوی بین دولتهای ساحلی را مطرح کرده‌اند. اما مقامات مزبور تا این تاریخ شواهد قانع‌کننده‌ای که عملی بودن این نظریه را به اثبات برساند، ارائه نکرده‌اند. با در نظر گرفتن شکل جغرافیایی دریای خزر و متفاوت بودن طول خطوط ساحلی پنج دولت مجاور دریا، معلوم نیست چگونه می‌توان این دریا را به پنج قسمت مساوی بین پنج دولت ساحلی تقسیم کرد.

### ج- استدلالهای دیگر

بحثهای دیگری وجود دارد که بر گفتگوهای مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر اثر می‌گذارد. یکی از این گونه بحثها مربوط به ایالات متحده است که ادعایش در مورد داشتن منافع عمده اقتصادی در منطقه، ناشی از شرکت‌های غیردولتی آمریکایی است که در عملیات اکتشاف و صدور نفت و گاز منطقه سرمایه‌گذارهای سنگینی کرده‌اند. ایالات متحده از همان آغاز با موضع

استقبال گرم ایران روبرو شد. تهران نیز مانند مسکو استدلال می‌کرد که قراردادهای مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ فیما بین ایران و شوروی سابق باید تعیین‌کننده وضع حقوقی و چگونگی اداره امور دریای خزر باشد. برخی از تحلیل‌گران بر آنند که موضع ایران از جهاتی ممکن است از تحلیل ایران در مورد روابط نزدیک آذربایجان با ایالات متحده ریشه گرفته باشد. تأکید جمهوری آذربایجان بر اعتبار خط فرضی آستارا-حسینقلی این شک را در تهران برمی‌انگیزد که ممکن است هدف از آن، خرابکاری در خصوص دستیابی ایران به سهم کامل این کشور در مالکیت دریای خزر باشد. اما دلیل اصلی رویکرد ایران در قبال مسئله رژیم حقوقی دریای خزر این است که تهران دریای خزر را یکی از دو منطقه ژئوپولیتیکی حیاتی خود تلقی می‌کند؛ منطقه دیگر، خلیج فارس است. ایران موقع جغرافیایی اش بین این دو مخزن تأمین انرژی قرن بیست و یکم را در نظر دارد و برای متصل کردن این دو منطقه به یکدیگر، احساس نیاز مبرم می‌کند که نقش خود را در هر دو منطقه پیشینه سازد.

امروزه بر خورد منافع منطقه‌ای ایالات متحده، روسیه و ترکیه در دریای خزر و اطراف آن از دیدگاه ایران تا حدود زیادی شباهت به بازی بزرگ ژئوپولیتیکی دارد که بریتانیا، روسیه و عثمانی در سده‌های هیجدهم و نوزدهم بازیگران آن بودند. آن بازی‌ها به آنجا انجامید که ایران سرزمین‌های پهناوری را از دست داد. هشدارهای برخی از ما مبنی بر اینکه حمایت از موضع روسیه در اختلافات مربوط به دریای خزر ممکن است موجب تکرار همان بازیها شود و نتایج بهتری به بار نیاورد، ظاهراً اثربخش بوده است. این نکته وقتی بیشتر مصداق می‌یابد که می‌بینیم تهران متوجه غیرعملی بودن پیشنهاد روسیه در مورد رژیم حقوقی «استفاده مشترک» شده است.<sup>۲۹</sup> به نظر می‌رسد که در نتیجه این هشدارها تهران ترغیب شده باشد موضع خود را در قبال مسئله رژیم حقوقی دریای خزر تعدیل کند. تعدیل موضع ایران ظاهراً بر موضع روسیه در ارتباط با نوعی تقسیمات دریایی در دریای خزر اثر

○ مداخلات مبهم و غیر واضحی که در مورد تعریف رژیم حقوقی دریای خزر از خارج منطقه صورت می‌گیرد، می‌تواند خطر سردرگم شدن دولتهای منطقه را در پی داشته باشد، مسئله را پیچیده‌تر کند و مانع از برطرف شدن اختلاف نظرها در منطقه گردد.

ناممکن و از نظر حقوقی بی معنی است، جز آنکه شرکت‌های فرامنطقه، همچون شرکت‌های همکارشان در منطقه، بتوانند امتیازاتی در زمینه اکتشاف، استخراج و صدور از دولتهای ساحلی دریافت کنند.

### چه باید کرد؟

در يك چشم انداز کلی، بحث پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر ناظر به دو موضوع اصلی است: نظریه «استفاده مشترک» و نظریه تقسیم کردن تمام دریا بین دولتهای ساحلی براساس مقررات بین‌المللی ناظر به دریاهای آزاد. هر دو نظریه نقاط قوت و نارسایی‌هایی دارد. نه اصل «استفاده مشترک» بطور کامل در مورد بزرگترین دریاچه جهان با منابع عظیمی که پنج ملت مدعی مالکیت آنند عملی است، نه دریای خزر يك دریای آزاد است که بتوان آنرا مشمول حقوق بین‌المللی حاکم بر دریاهای آزاد دانست. دریای خزر دریاچه‌ای است که تعریفی منحصر بفرد دارد و به این اعتبار شایسته است که رژیم حقوقی منحصر بفردی نیز داشته باشد. در عین حال، در عمل چنین می‌نماید که کشورهای ساحلی این دریاچه توافق دارند که اختلاف و بن بست کنونی نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد. به نظر می‌رسد آنها این حقیقت را می‌پذیرند که بهترین راه خروج از بن بست موجود، اتخاذ ترتیبی است که به موجب آن حقوق سرزمینی هر دولت به وضوح مشخص شود؛ بدین ترتیب راهی مشخص برای توسعه منابع دریای خزر فراروی قرار خواهد گرفت.

به هر حال، اختلافات دولتهای ساحلی اساسی است و آشتی دادن نظرات متفاوت آنها با یکدیگر بعید به نظر می‌رسد. لیکن با در نظر گرفتن اعتبار و استحکام دو استدلال یادشده، باید در پی یافتن راهی میانه و قانع کننده بود که بتواند دو موضع مزبور را در قالب يك فرمول ترکیب کند.

شاید ترکیب دو موضع بتواند به فرمولی منجر شود که هم دریای خزر را بین دولتهای ساحلی

روسیه سخت مخالف بوده است. در عوض، با آن چنان شدتی از موضع جمهوری آذربایجان حمایت کرده است که این توهم در منطقه ایجاد شده که موضع آذربایجان در واقع چیزی نیست جز پوششی منطقه‌ای برای نظرات ایالات متحده، که بدقت از سوی واشینگتن تحت مراقبت و نظارت قرار دارد. با این حال، تردید ایالات متحده در مورد عملی بودن نظریه «استفاده مشترک» برای رژیم حقوقی دریای خزر را نمی‌توان به سادگی نادیده انگاشت. وزارت خارجه ایالات متحده در گزارشی راجع به دریای خزر اعلام کرده است که: «تقسیم بستر دریا به مناطق انحصاری ملی موجب شکوفایی توسعه در منطقه خواهد شد، حال آنکه «استفاده مشترک» آن را به تعویق خواهد انداخت. رویکرد مبتنی بر مالکیت مشترک، فرایندی است کند و دشوار برای رسیدن به توافق با پنج کشور منطقه. هیچ شیوه‌ای برای ایجاد يك منطقه مشترک نمی‌شناسیم که از جنبه مالی بین‌المللی منجر به مشکلاتی نشود. بر این باوریم که مجاز داشتن يك دولت ساحلی به رد کردن یا جلوگیری از برنامه‌های دولت ساحلی دیگر در زمینه بهره‌برداری از منابع واقع در آبهای پیوسته به ساحل، امر توسعه را فلج خواهد کرد. دولتهای ساحلی نیاز به آن دارند که بتوانند منابعشان را در سطح دریا و زیر آن حمل و نقل کنند.»<sup>۳۲</sup>

در مباحثات مربوط به تعریف رژیم حقوقی دریای خزر استدلالهای دیگری نیز وجود دارد که دارای ماهیتی مبهم بوده و مفهوم مشخصی را تبیین نمی‌کند. این گونه مداخلات مبهم و غیر واضح که از خارج منطقه صورت می‌گیرد، می‌تواند خطر سردرگم شدن دولتهای منطقه را در پی داشته باشد و مسئله را پیچیده‌تر کند و مانع از برطرف شدن اختلاف نظرها در منطقه گردد. یکی از آنها مسئله «بین‌المللی کردن» رژیم حقوقی دریای خزر را مطرح می‌کند.<sup>۳۳</sup> دریای خزر براساس همه تعاریف جغرافیایی، يك دریاچه داخلی است و براساس حقوق بین‌الملل عمومی، بعنوان دریایی بسته باید منحصرأ تحت اداره دولتهای ساحلی باشد. بین‌المللی کردن رژیم حقوقی این دریاچه

○ دریای خزر بر پایه همه تعاریف جغرافیایی يك دریاچه است و براساس حقوق بین‌الملل عمومی، بعنوان دریایی بسته باید منحصرأ تحت اداره دولتهای ساحلی باشد. بین‌المللی کردن رژیم حقوقی این دریاچه ناممکن و از نظر حقوقی بی معنی است.



- پاکستان هم با مشکل جنگ داخلی افغانستان روبروست.
4. "Iranian port welcomes Indian traffic to Central Asia", **Ettelaat International** (London), No. 216, Tuesday, 28 March 1995, p.8.
5. "The project for transfer of Iranian gas to India", in Persian, **Ettelaat International** (London), No. 304, 3 August 1995, p.2.
6. "Future of Sino - Iranian oil cooperation bright", **Tehran Times**, Focus, Tehran, 15 May 1997, p.4.
7. اینها ارقامی است که جفری کمپ در مقاله زیر به کار برده است:
- "Energy Superbowl" Nixon Center for Peace and Freedom, Washington DC 1997, p.14.
8. Geoffrey Kemp, "Energy Superbowl = Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin", Nixon Center for Peace and Freedom, Washington DC 1997, pp. 14-16.
9. "Joint exploration activities to start soon in Caspian Sea", **Ettelaat International** (London), No. 344, Tuesday, 12 September 1995, p.10.
10. Pirouz Mojtahed - Zadeh, "The Geo - politics of the Caspian Region", in Hooshang Amirahmadi ed., **The Caspian Region at a Crossroad**, St. Martin's Press New York 2000, Chapter Eleven, pp. 175-186.
11. "Iran's suggestion to ECO", **Ettelaat International** (London).
- این شماره از اطلاعات بین الملل حاوی سخنانی است که آقای هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس جمهور ایران در سومین نشست سران اکو در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ در اسلام آباد پاکستان ایراد کردند. ایران همچنان هر فرصتی را برای تأکید بر سرشت منطقه‌ای این سازمان غنیمت می‌شمرد و از جمله پیشنهاد کرده است برای پیشبرد تحقق يك گروه‌بندی منطقه‌ای از دل اکو دانشگاه اکو تشکیل شود.
- Ibid.**, 29 October 1996
- ایران برای برقراری پیوندهای نزدیک اقتصادی میان اکو و آسه‌آن تلاش کرده است.
12. "Caspian Curve - up", Perspective, **NEFTE Compass** (London), vol. 2, No. 43, 24 November 1993, p.9.
13. John C. Colombos, **International Law of the Sea**, Longman's, London 1961, p. 164.
- تقسیم کند و هم منطقه بزرگی را در وسط دریای خزر برای استفاده مشترک پنج دولت باقی گذارد؛ فرمولی که تأمین کننده موارد زیر باشد:
۱. تعیین محدوده‌ای به پهنای ۴۰ تا ۴۵ مایل (به مبدأ خط ساحلی) از آبهای پیوسته به ساحل هر يك از دولت‌های حاشیه دریای خزر به عنوان منطقه اقتصادی انحصاری آن دولت.
۲. اعلام آبهای باقیمانده و سطح آنها بعنوان منطقه «بهره برداری مشترک» که دولت‌های حاشیه دریای خزر در استفاده از آن برای مقاصد تجاری، کشتیرانی و دیگر فعالیت‌های دریایی از حقوق مساوی برخوردارند. این منطقه میانی بهره‌برداری مشترک می‌تواند به هر يك از دولت‌های یادشده امکان دهد تا با دیگر دولت‌های غیر هم‌مرز مجاورت جغرافیایی پیدا کند.
۳. تقسیم بستر این ناحیه میانی بهره‌برداری مشترک و منابع زیر کف آن در میان پنج دولت حاشیه دریای خزر بر پایه همان اصولی که تقسیم منطقه اقتصادی انحصاری را در میان آنها معین می‌کند (نقشه شماره ۳).

## یادداشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک. به:

Pirouz Mojtahed - Zadeh's "Iranian Perspectives on the Caspian Sea and Central Asia", in Iwao Kobori and Michael H. Glantz ed. **Central Eurasian Water Crisis**, published by United Nations University Press, Tokyo, New York, Paris 1998, pp. 105 to 124.

۲. اظهار نظر گلن ریس (Glen Race) عضو وزارت امور خارجه ایالات متحده در سمینار دریای خزر که در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۵ در لندن برگزار شد. ر.ک. به:

Report entitled "Iran most logical route to export Caspian oil", in **Ettelaat International** (London), No. 200, Monday 27 February 1995, p.10.

۳. مسیر ترکیه به دلیل جنبش کردها در نیمه شرقی آناتولی و درگیری آذربایجان و ارمنستان ناامن است. مسیر گرجستان هم به دلیل قیام آبخازها ناامن نیست. مسیر

- p.269.
26. Vyacheslav Gizzatov, "The Legal Status of the Caspian Sea", in **Central Asia Quarterly Labyrinth**, Summer 1995.
27. Scott Horton and Natic Mamedov, op. cit.
28. **Ibid.**
۲۹. برای نمونه، ر.ک. پیروز مجتهدزاده «رژیم حقوقی دریای خزر: لزوم تبیین منافع ملی» مصاحبه با روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۷/۳/۱۱، ص ۲.
۳۰. «توافق ایران و روسیه درباره مسائل دریای خزر»، اطلاعات بین الملل، (لندن)، ۱۳۷۷/۴/۳۰، ص ۱۲.
31. Scott Horton and Natic Mamedov, op. cit.
32. "Caspian Region Energy Development Report", Department of State, the United State 1997, pp. 9-10.
۳۳. اظهارات دبلیو. ای. باتلر (W.E. Butler) در کنفرانس «چشم انداز نفت و گاز دریای خزر» که در روزهای ۱۰ و ۱۱ دسامبر ۱۹۹۵ در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی برگزار شد.
- هر چند شاید باتلر از مطرح کردن مسئله «بین المللی کردن رژیم حقوقی دریای خزر» نیت سوئی نداشته است اما گروه های نفوذ خارجی می توانند از این استدلال برای پیشبرد اهدافی که از مداخله در امور منطقه ای دریای خزر دارند استفاده کنند و بدین ترتیب موضوعی را که پیشاپیش پیچیده است باز هم پیچیده تر سازند.
14. Geoffrey Kemp, op. cit., p. 28.
15. **Ibid.**
۱۶. ر.ک. به: Alma Ata Declaration of December 21, 1991, reprinted in the **International Legal Materials**, vol. 31: 147 (1992) (UN Doc. A/47/60 of December 30, 1991).
۱۷. اظهار نظر الکساندر خدادوف نماینده ویژه وزارت خارجه روسیه در سمینار دریای خزر که در ۲۴ فوریه ۱۹۹۵ در لندن برگزار شد به نقل از: **Ettelaat International**, No. 200, Monday 27.
18. UN Doc. A/49/475, October 5, 1994.
19. Scott Horton and Natic Mamedov, "Legal Status of the Caspian Sea", in Hooshang Am-irahmadi ed, op. cit, Chapter Fifteen, p.267.
20. **Ibid.**, p. 268.
۲۱. اظهار نظر گلن ریس، پیشین.
22. UN Doc. A/49/475, October 5, 1994.
۲۳. اظهارات وزیر امور خارجه ایران در دیدار از سوئیس در ۳ ژوئیه ۱۹۹۵، به نقل از روزنامه سلام.
24. "Cooperation in the Caspian Sea", report on statement made by the Russian Deputy Minister of Foreign Affairs on a visit to Almaty, kazakhstan, **The Echo of Iran**, (London), vol. XXXXIII, No. 98, August / September 1995, p.5.
25. Scott Horton and Natic Mamedov, op. cit.,